

## انترناسیونال

۱۴

دوره دوم

سه شنبه، ۱۸ فروردین ۱۳۸۳

۶ آوریل ۲۰۰۴

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

اطلاعیه مراسم سالگرد

منصور حکمت

صفحه ۲

اول ماه مه یا ۱۱ اردیبهشت؟ قیام برای کار و عدالت اجتماعی

نسان نودینیان

صفحه ۴

شاخکهای حسی جبهه ملی

عبدالله شریفی

صفحه ۳

حسن صالحی

صفحه ۴



## تعیین اجتماعی بخشیدن به چپ

مصاحبه رادیو انترناسیونال با حمید تقوایی

حزب کمونیست کارگری حضور مهمی در جامعه دارد و سیاست چپ دارد در جامعه دست بالا پیدا میکند. در یک نگاه کلی شما چه محدودیتهائی در این جنبش مبینند؟

**حمید تقوایی:** محدودیت و ضعف اساسی که امروز جنبش انقلابی دارد از اینجا ناشی میشود که مشخصا جنبش کارگری بعنوان هسته و کانون و

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری در تبیین اوضاع ایران میگوید انقلابی در جامعه دارد شکل میگیرد و به یک جنبش انقلابی و آزادیخواهانه اشاره میکنند. من میخواهم درباره همین جنبش و محدودیتهایش با شما صحبت کنم. یک نگاه بسیار کوتاه به اوضاع ایران نشان میدهد در سطوح مختلف جنبش کارگری و زنان و جوانان و غیره در جامعه دارند علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند و به پیش میروند.

**سیاوش دانشور:** یک نگاه ساده به جنبش آزادیخواهانه بویژه در یکسال گذشته حاکی از پیشرفت و پیشروی آن در تقابل با جمهوری اسلامی و تغییر تناسب قوا به نفع جنبش آزادی و برابری در جامعه ایران است. اما کمبودهای آن چه هستند و چه روشهای کاری باید از طرف رهبران و فعالین جنبشهای اعتراضی اتخاذ شود تا جنبش آزادیخواهی را بجلو سوق بدهد؟ در این زمینه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

## اول ماه را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم

اول ماه مه، (امسال ۱۲ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر است. این روز ما است. این روز باید همه جا تعطیل شود. نه فقط کارخانه ها که همه جا باید تعطیل شود. کار را تعطیل کنیم و صدایمان را بلند کنیم. اجتماعات بزرگ برپا کنیم و خواست هایمان را همه جا اعلام کنیم. اول ماه باید شعارها مال ما باشد و بلندگوها دست ما باشد. اعلام کنیم که این شرایط غیر انسانی را دیگر تحمل نمیکنیم. اعلام کنیم که کشتار رفقایمان در خاتون آباد و شهر بابک را محکوم میکنیم، که از سرکوب رفقایمان در نساجی های اصفهان اعلام انزجار میکنیم و خواهان معرفی و مجازات عاملان کشتار و سرکوب هستیم. نفرت مان را از اخراج هزاران رفیقمان در سدکارون و در سراسر کشور اعلام کنیم. اعلام کنیم که نپرداختن مزد کارگر جنایت است، که دستمزدهای زیر خط فقر بس است.

این زندگی نیست که به ما و بچه هایمان تحمیل کرده اند. نه مزد کافی میدهند، نه همان مزد را تمام و کمال میپردازند، نه بیمه بیکاری داریم، نه ایمنی داریم، نه آزادی بیان داریم، نه حق تشکل و اعتصاب. همه جا را تعطیل کنیم، به خیابان بیائیم و با صدای بلند اعلام کنیم کارگران جهان متحد شوید، بگوئیم مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر تبعیض و نابرابری، نابود باد فقر و بیکاری. اجتماع کنیم و در سخنرانی ها و در قطعنامه هایمان از مبارزات رفقایمان در چهارگوشه کشور و در سراسر جهان پشتیبانی کنیم، با صدای بلند از مبارزات معلمان و پرستاران و سایر زحمتکشان برای یک زندگی بهتر حمایت کنیم، صفوفمان را متحد کنیم و آمادگی مان را، اراده مان را، عزم جزممان را برای تغییر این وضع اعلام کنیم.

کارگران، معلمان، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه!

روز کارگر روز اعتراض به تمام نابرابریها و تبعیضات و بیحقوقی هاست. روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، روز اعتراض به فقر و بیکاری، روز اعتراض به عاملان سیه روزی ما و روز اعلام آمادگی برای تغییر این اوضاع است. اول ماه روز همه ما است. یکصدا و متحد همه جا را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم.

زنده باد اول مه

زنده باد اتحاد جهانی کارگران

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ فروردین ۸۳



## خطر تبدیل شدن عراق به یوگسلاوی خاورمیانه

حزب کمونیست کارگری  
تنها امید اجتناب از این وضعیت است

محسن ابراهیمی

جریانات را یک تاز میدان خواهد کرد\* در هر دو صورت، قدر قدرتی آمریکا که هدف اولیه تهاجم نظامی بوده است زیر سؤال میروند\* فعلا آمریکا به میانجی بی قدرت تقسیم قدرت در میان جریانات اسلامی و احزاب ناسیونالیستی تبدیل شده است که تلاش میکند توازنی میان این دو جریان بوجود بیاورد و

صفحه ۳

۱- عراق برای آمریکا به یک باتلاق سیاسی تبدیل شده است\* آمریکا نه میتواند پیشروی کند و نه میتواند عقب نشینی کند\* ادامه حضور نظامی، جریانات مذهبی و ناسیونالیست را تقویت میکند و پا پس کشیدنش این

علیرغم اینکه کاخ سفید و پنتاگون همچنان از عراق به عنوان الگویی برای آزادی در کشورهای دیگر خاورمیانه نام میبرند، عراق در آستانه تبدیل شدن به یوگسلاوی خاورمیانه قرار دارد:

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **تعیین اجتماعی بخشیدن به چپ**

ستون فقرات جنبش انقلابی هنوز نتوانسته در يك سطح اجتماعی عرض اندام کند. جنبش کارگری در ایران عمدتاً بخاطر سابقه و تجربه و سنت‌هایی که دارد آنطور که باید و شاید از يك تعیین و هویت اجتماعی برخوردار نیست، خودش را معرفی نکرده است و نه تنها جامعه بلکه خود کارگران در يك سطح گسترده و سراسری این جنبش را نمی‌شناسند. رهبران عملی جنبش کارگری، کسانی که در مبارزات روزمره، مثل مبارزه بر سر دستمزدهای معوقه و یا خواسته‌های مشخص دیگر، به پیش می‌افتند، خودشان را به چهاردیواری کارخانه و یا حداکثر رشته تولیدی خود محدود می‌کنند و حداکثر در همین سطح شناخته شده هستند و از آن فراتر نمی‌روند. در نتیجه خود طبقه کارگر و جامعه بی‌خبر است از فعل و انفعالات، از موضع‌گیریها و از مسائلی که این رهبران دارند با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. به نظر من جنبش کارگری، و علی‌العموم جنبشهای اعتراضی، نمیتواند بصورت بی‌شکل و نامتعیین و با پیروان و رهبران عملی مخفی و شناخته نشده در جامعه، سراسری و منسجم شود و به پیش برود. این يك ضعف اساسی مشخصاً جنبش کارگری و کلاً جنبشهای اعتراضی در ایران است.

**سیاوش دانشور:** منظورتان از این هویت اجتماعی داشتن، چهره داشتن و مخفی مبارزه نکردن چیست، چون وقتی به جنبش کارگری نگاه میکنیم میبینیم مبارزه کارگری علنی صورت میگیرد، زنان علنی اعتراض میکنند و یا جوانان. منظورتان چیست؟

**حمید تقوایی:** بله مبارزه بعنوان آکسیونهایی که اتفاق میافتد مثل يك اعتصاب و یا تظاهرات و یا گردهماییها و یا تحصنها، اینها علنی است، ولی در همین سطح آکسیون. یعنی وقتی توده کارگران و یا جوانان و یا زنان در کارخانه و یا در دانشگاهها و خیابانها جمع میشوند و دست به اعتراض میزنند و خواستی را مطالبه میکنند، جنبش خود را نشان میدهد. این مشاهده به این معنا نیست که جنبش کارگری و

نداریم. این يك ضعف اساسی است که تا بر آن فائق نیائیم نمیشود از يك جنبش متحد و متشکل و منسجم صحبتی کرد. و تا آنجا که به شرایط امروز مربوط میشود، جنبش انقلابی حداکثر در سطح شورشهای پراکنده شهری باقی میماند. بهمین دلیل من فکر میکنم حلقه اصلی ای که در این شرایط باید بدست گرفت دادن این چهره اجتماعی به جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی است.

**سیاوش دانشور:** شما میگوئید که رهبران و پیشروان جنبشها چه جنبش کارگری و چه بخشهای دیگر جامعه باید در سطح علنی امرشان را به پیش ببرند. ولی در جامعه ایران اختناق هست، جمهوری اسلامی حاکم است و شاید توازن قوا این اجازه را نمی‌دهد. جواب شما چیست؟

**حمید تقوایی:** تاریخاً و اجتماعاً اختناق و دیکتاتوریهایی پی در پی میشود گفت در يك قرن اخیر بوده است که این خصلت غیر اجتماعی را به جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی مردم داده است که تشکل و تعیین نداشته باشند و شخصیتها و رهبران عملی اسمشان مطرح نشود. در تحلیل نهائی این اختناق هست که باعث این وضع شده است. ولی این اختناق دامن زده است به يك سنت و عوامل درونی، به يك روابط و مناسباتی در داخل خود جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی در جامعه. امروز مشخصاً وقتی نگاه میکنید می‌بینید اختناق تماماً این وضعیت را توضیح نمیدهد. ببینید، رهبران مبارزات در آن سطحی که فعالیت میکنند برای رژیم شناخته شده هستند، و اینطور نیست که کاملاً مخفید، چون بالاخره مبارزه امری علنی است و همانطور که شما هم اشاره کردید، اعتصاب و تظاهرات و تحصن و بستن خیابانها اینها همه مبارزات علنی است و رهبران و سازماندهندگان دارد و جاسوسان و ماموران و پلیس سیاسی رژیم کاملاً آنها را میشناسند. قضیه بنابراین مخفی کاری نیست بلکه اینست که دقیقاً چون این رهبران فقط در محدوده کارخانه و محل فعالیت خودشان شناسائی میشوند، برای جمهوری اسلامی خیلی راحت است که آنها را دستگیر کند و از سر

## اطلاعیه مراسم سالگرد منصور حکمت

روز شنبه ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۴ طی مراسمی یاد منصور حکمت را گرامی میداریم. این مراسم ساعت ۲ بعداز ظهر در گورستان های گیت در لندن آغاز میشود.

باین ترتیب از شما دعوت میکنم که در این مراسم شرکت کنید تا با هم یاد این انسان عزیز و ارزشمند را گرامی بداریم.

بمنظور تسهیل شرکت تان در مراسم و انجام هر چه بهتر تدارکات، شرکت تان در مراسم را بما اطلاع دهید.

salgardinfo@yahoo.co.uk

+۴۴ ۷۸۱ ۳۰۴ ۵۸۷۰

آذر ماجدی

۵ آوریل ۲۰۰۴

دستمزدهای عقب افتاده و افزایش دستمزدها، این جنبش، این کمپین معین، این مصاف معین بر سر دستمزد میتوانست و امروز هم میتواند که رهبران و فعالین شناخته شده خودش را داشته باشد. به نحوی که در همین سطح مطالبه بتوانند مبارزه را با يك چهره مشخصی در يك سطح اجتماعی و وسیعتر و متحدتری به پیش ببرند. یا خواستههای معینی که زنان دارند یا دانشجویان و جوانان دارند. مثلاً خواست آنها مبنی بر این که يك زندگی مدرن داشته باشند، خواست آنها مبنی بر اینکه دیواری بین زن و مرد و دختر و پسر کشیده نشود. آپارتاید جنسی بر بیفتد. اینها خواستههایی است که مردم دارند اعلام میکنند. جوانان میخواهند و در همین سطح میتوانند يك جنبش علنی را دامن بزنند و چهره به آن بدهند و هویت به آن بدهند و حول همین خواست جمع شوند. مساله امنیت وقتی مطرح میشود که در واقع ما دست بگذاریم روی مضمون و محتوای شعارها و مواضع. مضمون و محتوای شعارها و مواضع میتواند در همین سطح فعلی با همین توازن قوای فعلی باقی بماند در عین حال این جنبش باید يك چهره علنی و متعین پیدا کند حول همین خواستها.

ادامه دارد

راه کنار بزند و کلاً آنها را تحت انواع فشارها قرار بدهد. در حالیکه اگر در سطح وسیعتری شناخته شده بودند و در سطح وسیعتری میان خود کارگران و در جامعه رهبران یا نفوذ و محبوبی بودند آنوقت به مراتب تعقیب و دستگیری آنها برای رژیم سخت تر بود. میخواهم بگویم در واقع این سطح از علنیت ضامن ادامه کاری این فعالین است و امنیت را بالا میبرد و نه بر عکس. ما می‌بینیم که بخصوص امروز که جامعه ایران در يك تب و تاب انقلابی به سر میبرد و جمهوری اسلامی در موقعیت ضعیفی هست، اینکه رهبران عملی قدم به پیش نمیگذارند اساساً بخاطر سنت‌هایی است که به آن اشاره کردم که در اثر اختناق چندین دهساله در ایران تبدیل شده است به يك امر داخلی و راه و روش درونی جنبش کارگری و جنبش های مبارزاتی علی‌العموم. منظور من بهیچوجه این نیست که کارگران با شعار و مواضعی حادثر و رادیکالتر و با صدمیت شدیدتری بیش از آنچه توازن قوا اجازه میدهد قدم بیدان بگذارند. بهیچوجه منظور این نیست. موضوع اینست که در همین سطح مبارزات موجود و با همین خواستها و مطالبات موجود باید مبارزات را سراسری و اجتماعی کرد. مثلاً فرض کنید در جنبش کارگری مساله دستمزد و پرداخت

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## از صفحه ۱ خطر تبدیل شدن عراق ...

شاخکهای حسی جبهه ملی  
چه میگویند؟!\*

(پیرامون کنگره اخیر جبهه ملی)

عبدالله شریفی



جبهه ملی از زمان تشکیل خود با گروه ۱۹ نفره در سال ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ شمسی تاکنون پیوسته آماده بوده است که در هر شکل و فرم ممکن زیر چتر هر قدرتی که بورس روز دستش است خدمت کند، و در شرایط انقلابی مانند ویروسهایی در بدن جامعه، فعال میشوند تا پل عبور سرمایه داری و دولتهای مستبد و خونریز از انقلاب مردم باشند و تا انقلاب مردم را سد کنند. سال ۱۳۵۷ همین نقش را ایفا کردند، امروز دارند برای همین نقش خود را مجدداً تیار میکنند.

کنگره مارس و سپتامبر جبهه ملی خیل متناقض و متلون توده ای و مشروطه خواه و پان ایرانیست را یک مسله اساسی بهم مربوط میکند، و آنها هم از تحولات بنیادی در جامعه ایران توسط مردم این جامعه است. اینها آرزوی برقراری دور دیگری از سرکوب و استثمار مردم و به عقب راندن جامعه را پس از جمهوری اسلامی در سر دارند. اینها این بار نه با تابلوی مذهب، بلکه با تابلوی قوم و فدرالیسم و رفراوندم ساختار شکن و غیره به میدان آمده اند.

جدال بر سر آینده جامعه ایران از کانال عبور از این ترافندها میگذرد. تضمین شکست دادن و باطل کردن این سناریو، حضور وسیع طبقه کارگر و مردم است. شرط اجتناب از تکرار تاریخ با هر نامی دیگر، جلوگیری از دست بدست شدن قدرت در بالا است، دخالت مستقیم مردم در سرنوشت و آینده خودشان است، نمایندگی شدن خواست و مطالبات مردم زیر یک پرچم رادیکال و انسانی است. امروز این پرچم و این رهبری موجود است، حزب کمونیست کارگری قاطعانه برای شکل دادن و رهبری انقلاب میکوشد. باید بی تردید در این جبهه متحدانه به پیش رفت. \*

کانگسترهای اسلامی و تحت رهبری مشتی آخوند در خون پاشی به یک جامعه مضایقه نکردند. پس داستان چیست؟ چه عواملی گردانندگان و همراهان و طرفداران دیروز نظام اسلامی و فروشندگان اسلام "معطر و مدنی" را به این تکاپو انداخته است؟ بی شک فعال شدن و "ساختار شکنی" جبهه ملی در متن اوضاع سیاسی کنونی ایران، گذشته از بیربطی به منافع و معضلات مردم از سر ندامت به اعمال و سیاستهای گذشته خودشان هم نیست. به صف شدن خیل سیاستمدار و ژورنالیست ملی و مذهبی که دوان دوان از این سمینار و کنگره به آن جلسه و کنفرانس میروند، قبل از هر چیز دارد خبر از به ارتعاش افتادن شاخکهای حسی جبهه ملی و طیف توده ای و ناسیونالیسم ایرانی از زلزله سیاسی در ایران است.

حقیقت این است که مبارزات و تعرضات انقلابی مردم به نظام اسلامی مسیر گستردگی و تعمیق را طی میکنند. امیال های انسانی جامعه، با خواست آزادی و برابری و رفاه دارد مهر چپ و کمونیسم را به این روند میزند. کارگران و جوانان، زنان و مردان، در این کشور روزانه نفرت خود را به دستگاه کشتار اسلامی، با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، فریاد میزنند. مردم کل نظام اسلامی از قوانین و شرع و آخوند تا مسجد و کثافات قرن حجر را به تمامی به مصاف طلبیده اند. مردم آزادی و نان و امنیت و زندگی انسانی میخواهند. مردم رفاه و پیشرفت میخواهند. مردم برای این مطالبات برحق در خیابان هستند. مردم برای این میخواهند رژیم اسلامی را جارو کنند. و تمام این قیل و قال این جماعت برای سد کردن روند انقلابی حرکت مردم است.

اخیرا کنگره جبهه ملی در شهر استکهلم سوئد برگزار شد. در این کنگره دو روزه، "دریادار مدنی" فرمانده نیروی هوایی اسبق جمهوری اسلامی بعنوان سخنگوی جبهه ملی برگزیده شد. البته در حاشیه یاد آور شده اند که این کنگره (کنگره مارس) جبهه ملی، نباید با کنگره سپتامبر گذشته اشتباهی گرفته شود. زیرا کنگره سپتامبر خواهان "رفراوند مسالمت آمیز" در مقابل جمهوری اسلامی است در حالیکه کنگره مارس، خواهان "رفراوند ساختار شکن" میباشد. ضمناً باید اشاره کرد که جبهه ملی آقای تیمسار "پاسدار" دریادار مدنی، با حضور حزب پان ایرانیست، حزب مشروطه خواهان، حزب توده ایران و "شخصیت های منفرد مانند جناب علیرضا نوریزاده برگزار شد.

جبهه ملی تاریخ خود را دارد. جامعه ایران بارها سیاست و اعمال این جریان را تجربه کرده است. همه تا دیروز شاهد خدمات و ایثارگری رهبران این جبهه در بیت امام و حرم آقا و مجلس و دولت جنایتکاران اسلامی بوده اند. همه شاهد بدوش کشیدن نکت دستگاہ انسانکشی خمینی بر دوش رهبران این جبهه بوده اند. یک نسل از مردم ایران هنوز تاریخ شفاهی نسل کشی و اعدام دستجمعی آزادیخواهان جامعه ایران هستند. بیاد دارند که دولت بازرگان و کابینه او مملو از رهبران جبهه ملی بود. جاده صاف کن پهن کردن بساط جنایت اسلامی، سنگسار، شکنجه، فقر، اعتیاد و صدها مصیبت دیگر همین رهبران و همین حضرات بودند. تا جا داشتند زیر شتل سلطنت به استبداد شاهنشاهی خدمت کردند، و تا بیرون رانده شدند زیر عبا و عمامه زانو زده و در کنار

شکل دادن به دولت در جامعه مطرح و شناخته شود" ابراز وجود حزب به عنوان عامل اداره کننده امور مردم در سطح محلی نیز میباید به این امر خدمت کند" با توجه به این محورها، جامعه عراق راه خروج از ترادزی ای که نظم

عیار کند" اما علیرغم این وضعیت، فاکتورهای امید بخشی وجود دارند که دریچه های آینده انسانی در مقابل جامعه عراق را باز میکنند: اعتراض بسیار قدرتمند مردم جهان علیه تهاجم نظامی آمریکا در ۱۵ فوریه سال گذشته نشان داد که مردم عراق برای رهایی از این وضعیت تنها نیستند" علاوه بر آن، بیخ گوش عراق، مردم ایران مصمم هستند به عمر حکومت اسلامی که یکی از پشتیبانان اصلی یکی از نیروهای اصلی سناریوی سیاه یعنی جنبش اسلامی در عراق است پایان دهند" در کنار همه اینها، دهه گذشته شاهد شکل گیری حزب کمونیست کارگری عراق بوده است که قدرت گیریش تنها امید برای اجتناب از این سناریوی سیاه است" چرا حزب کمونیست کارگری تنها نیرویی است که میتواند عراق را از این وضعیت و از این چشم انداز خونین رها کند؟ اولین و مهمترین دلیل اینست که این حزب تنها نیرویی است که برای جامعه ای مبارزه میکند که در آن همه مردم عراق بی هیچ قید و شرطی از آزادی، رفاه، امنیت و برابری برخوردار شوند"

اما این دلیل اگر چه یک شرط بسیار لازم است اما هنوز برای تبدیل شدن واقعی این حزب به چنین نیرویی کافی نیست" حزب باید بتواند پاسخهای واقعی به مسائل واقعی مردم عراق بدهد تا بتواند به چنین نیرویی تبدیل شود" حزب باید عملاً چه کار کند تا به چنین نیرویی تبدیل شود؟ خطوط اصلی پاسخ این سؤال را میتوان در مقاله بسیار راهگشای حمید تقوایی تحت عنوان "کمونیسم کارگری در عراق: سناریوی سیاه و مساله قدرت سیاسی" (انترناسیونال هفتگی شماره ۱۹۶) پیدا کرد" چند محور اصلی آن مقاله را میتوان به قرار خلاصه کرد:

۱- متعاقب حمله نظامی آمریکا، در عراق امروز نفس جامعه مدنی نفی شده و لذا نفس بقای جامعه مدنی و وجود دولت به عنوان پیش شرط این بقا، به مساله اصلی نبرد طبقاتی تبدیل شده است" خلا قدرت را باید عملاً در سطح یک محله و یا شهر و یا منطقه پر کرد و به عنوان دولت ظاهر شد" سامان دادن زندگی مردم با اتکا به قدرت خودشان اساس و پایه قدرت حزب است" حزب باید به عنوان یک حزب مدعی قدرت و صاحب طرح و آلترا تیبو روشن برای

عراق را تحت سیطره یک ساختار سیاسی مذهبی و قومی در مدار منافع منطقه ای و جهانی نگاه دارد"

۲- دیکتاتوری بورژوازی حزب بعث، جامعه عراق را به مدت چندین دهه به نحوی شدیداً سازمان یافته زیر خفقان سیاسی به مهمیز کشیده بود" میلیتاریسم آمریکا این ساختار بسته و مختنق را در هم ریخت و بر روی آن گسیختگی و بی سازمانی سیاسی را بر جای گذاشت"

۳- طبقه کارگر، مهمترین نیرویی است که در صورت متحد و متشکل بودن قادر است در مقابل فرقه های قومی و مذهبی بایستد و مانع غرق شدن جامعه در کشمکش و خونریزی قومی و مذهبی شود" به یمن دیکتاتوری بورژوازی حکومت بعث، طبقه کارگر عراق برای دهه های طولانی فاقد تشکلهای توده ای و حزب کمونیست خواهان انقلاب کارگری و زیر و رو کردن نظام سرمایه داری بوده است" این باعث شده است که موقعیت طبقه کارگر برای دخالت موثر برای جلوگیری از یوگسلاوی شدن عراق تضعیف شود"

۴- جنبش اسلامی و فرقه ها و گروههای وابسته اش که از بالاترین ظرفیت برای راه انداختن جنگ های فرقه ای و مذهبی برخوردارند، با تهاجم نظامی آمریکا و در متن فقر و ناامنی و گسیختگی اجتماعی و سیاسی، از مساعدترین شرایط برای نیرو گرفتن و راه انداختن کشمکش و کشتار برخوردار شده است"

۵- جنبش ناسیونالیستی و مشخصاً دو حزب شاخص این جنبش یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی، بشدت قوم پرست هستند" دقیقاً به همین دلیل، از ظرفیت بالایی برای تبدیل کردن عراق به صحنه کشمکش های قومی برخوردارند"

۶- فرهنگ سکولار در میان مردم عراق ریشه دار است و بخش اعظم جامعه شهری عراق نیروی بالقوه یک جنبش قدرتمند سکولار هستند" اما دقیقاً به همان علل گفته شده، این نیرو هم نتوانسته است به یک جنبش متشکل و متحزب تبدیل شود"

اینها همه عوامل موثری هستند که در حال حاضر عراق را در یک گسیختگی سیاسی و اجتماعی قرار داده و هر لحظه میتواند جامعه عراق را وارد یک سناریوی سیاه تمام

سناریوی سیاه جلوگیری کند" یا نیرو گرفتن حزب کمونیست کارگری، عراق به جای غرق شدن در یک کشمکش خونین مذهبی و قومی، میتواند در آستانه یک جامعه انسانی، آزاد و برابر سوسیالیستی قرار گیرد" \*

# اول ماه مه یا ۱۱ اردیبهشت؟

حسن صالحی



اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است و طبعاً تمام تلاش رهبران و فعالین کارگری هرچه باشکوهتر برگزار کردن اول ماه امسال است. امسال بخصوص در شرایطی که بحران مرگ سرتاپای رژیم اسلامی سرمایه داران را فرا گرفته است، و ناله های ترس و دلهره از انقلاب مردم از همه محافل طبقه استثمارگر بلند است، برگزاری پر سر و صدای اول ماه مه اهمیت ویژه ای دارد. چرا که نمایش اتحاد و عزم طبقه کارگر در اول ماه امسال و اعلام مطالباتی همچون پایان دادن به خفقان و سانسور، امکان ابراز آزادانه نظر و اراده سیاسی، تخصیص منابع و امکانات اقتصادی کشور به رفاه و آسایش مردم، پرداخت دستمزد های معوقه، افزایش فوری دستمزدها، حق آزادی اعتصاب و تشکل، تامین بیکاران و بازگشت به کار بیکار شدگان و انسانی شدن شرایط و ساعت کار و غیره، ضربه مهلکی است بر رژیم مدافع نظم استثمارگرانه موجود و اعلام آمادگی کارگران برای پی افکندن نظامی انسانی و برتر.

آنچه که بویژه درباره اول ماه مه امسال ضروری است که بر آن تاکید بیشتری گردد، جنبه تعطیلی روز جهانی کارگر است. اول ماه مه امسال بدلیل وجود سال کبیسه در تقویم شمسی مصادف است با روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳. اگر در قانون کشور روز بین المللی کارگران بعنوان اول ماه مه و نه ۱۱ اردیبهشت شناخته شده و تعطیل رسمی اعلام شده بود، تاکید بر جنبه تعطیلی لازم نبود. ماده ۶۳ قانون کار جمهوری اسلامی می گوید: "علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) نیز جزو تعطیلات رسمی کارگران به حساب می آید." بقول منصور حکمت کسانی که حاضر نمی شوند روزه شان را طبق ماه شمسی بگیرند، تا نوبت کارگر می شود روز جهانی کارگر را ۱۱

# "قیام برای کار و عدالت اجتماعی"

نسان نودینیان



جنبش کارگری و فعالین چپ و احزاب سیاسی مطرح شده است. طبقه کارگر آلمان فاقد حزب سیاسی خود، حزب کمونیست کارگری است. طرح مطالبات رادیکال، ادامه مبارزه تا عقب نشینی کامل دولت و کارفرماها و اقدامات ابتکاری برای بکری نشاندن مطالبات رادیکال، نمونه اقدامی که کارگران "راین هاوزن" در چند سال گذشته از خود نشان دادند، جنبش کارگری و خانواده های آنها را به مصاف طلبیده است. وضعیت کنونی برای کارگران و مردم قابل تحمل نیست. حمله به معیشت و رفاه و سطح بهداشت کارگران و کارمندان بطور بی سابقه ای گسترش پیدا کرده است. در هفته آینده اعتراضات کارگران در سطح اروپا ادامه دارد. فشار کارگران و خانواده های آنها اکنون از هر دوره ای بیشتر دیده میشود، و به رسانه های عمومی راه پیدا کرده است. نقطه قدرت دوره کنونی حضور فعال و اعتراضی کارگران در مبارزه و اعتراض به وضعیت کنونی است. اول ماه مه جهانی در راه است. کارگران با خانواده هایشان به استقبال اول ماه مه میروند. اول ماه امسال روزهای داغ مبارزه کارگران علیه دولت و کارفرماها است. مبارزه برای سد کردن حملات دولت و کارفرماها به سطح معیشت و امکانات اجتماعی، بهداشت و امکانات پزشکی، و از همه مهمتر سد کردن حمله دولت و کارفرماها به ساعات کار که هم اکنون تا ۳۹ ساعت در بعضی مراکز تولیدی جریان دارد، مصافهای روز اول ماه مه است. جامعه آلمان می رود در روزها و ماه های آینده به محل تظاهرات و اعتراضات گسترده کارگری تبدیل شود.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران از مطالبات خواسته های کارگران در آلمان پشتیبانی میکند و در اعتراض مبارزه و تظاهرات کارگران علیه دولت و کارفرما فعالانه حضور دارد و همه مردم را به حمایت از مبارزات کارگری فرا میخواند. \*

بعد از اعتراضات میلیونی کارگران و مردم در فرانسه و ایتالیا، روز ۳ آوریل تظاهرات کارگران در آلمان توجه افکار عمومی دنیا را بخود جلب کرد. بیش از نیم میلیون از کارگران به فراخوان اتحادیه های کارگری به خیابانهای شهرهای برلین، اشتوتگارت و کلن آمدند و به وضع موجود اعتراض کردند. روزنامه های پرتیراژ آلمان تظاهراتی اعتراضی کارگران را تحت نام "بازگشت به مبارزه طبقاتی" معرفی کردند. کارگران معترض اعلام کردند که صدراعظم آلمان باید برود. در یک اقدام سمبولیک علامت اختصاصی ماشین مرسدس از تولیدات ماشین در آلمان را بعنوان نشان سرمایه با خود حمل میکردند. بازگشت به مبارزه طبقاتی!

در ده سال گذشته بحران بیکاری بطور علاج ناپذیری دامنگیر جامعه آلمان است. هم اکنون بیش از پنج میلیون بیکار را دولت اعلام کرده است و هر روزه بر میزان بیکاری نیز افزوده میشود. نرخ تورم در دو سال گذشته بطور شگفت آوری رو به ازدیاد است و قدرت خرید و ادامه نرهای جا افتاده زندگی مردم آلمان بویژه کارگران و کارمندان، زیر سوال رفته است. کارگران و خانواده های آنان هم اکنون در یک کشاکش سیاسی و طبقاتی با صاحبان شرکتها، بانکها و دولت قرار گرفته اند. اوضاع بد اقتصادی و بحران بیکاری و تورم همراه با موج اعتراض و ناراضیتهای کارگران، اتحادیه ها و احزاب سوسیال دمکرات را در بحران قرار داده است. کناره گیری کارگران از عضویت در اتحادیه ها و نا امیدی آنان به کارساز بودن اقدامات و مذاکرات اتحادیه ها با دولت و کارفرماها، بحران اتحادیه ها و حزب سوسیال دمکرات را جدی کرده است. شروید صدراعظم آلمان و از حزب سوسیال دمکرات بر طرح مشهور "آگندا" یا فرم در سال ۲۰۱۰،

گرد آورند، از ورای همه مرزها و فارغ از همه جدائیها احساس همسرنوشتی و آرمان مشترک رهایی را جشن بگیرند، همه چرخها را از حرکت باز دارند و همه جا از نظم و جامعه موجود بخواهند که به صدای اکثریت عظیم انسانها گوش فرا دهد و در برابر حکم و مطالبات کارگران سر فرود آورد. روز کارگر، روز نمایش قدرت کارگران در مقیاس جهانی و روز اتمام حجت کارگران در برابر نظم و شرایط اجتماعی موجود است. این روز را هرچه باشکوهتر و قدرتمندتر جشن بگیریم. \*

روز جهانی کارگر اول ماه مه است و نه روز دیگری. روزی که باید تعطیل باشد اول ماه مه است و نه ۱۱ اردیبهشت. اول ماه مه تاریخچه، سنت و هویت خود را دارد و با همین اسم باید تعطیل رسمی باشد. مگر آخوند و اسلاميون روزه و عید فطر و عید قربان شان را مطابق تقویم شمسی برگزار می کنند که در مورد روز جهانی کارگر به آن متوسل می شوند؟ اعلام يك روز واحد که کارگران در چهارگوشه دنیا طی آن با متوقف کردن چرخهای کار و تولید، ادعائنامه خود را علیه نظم سرمایه داری بیان کنند، جز جدانشدنی از سنت اول ماه است. این سنتی است که مهر مبارزات قهرمانانه کارگران را بر خود دارد و نتیجه تصمیمی است که در کناره کارگران انترناسیونال (دوم) گرفته شد. هیچ دخل و تصرفی در آن مجاز نیست.

اول ماه مه کار باید تعطیل باشد. هیچ عذر و بهانه ای برای تعطیل نبودن کار قابل قبول نیست. در طول ۳۶۵ روز از سال به همت تلاش و جانفشانی کارگران تنها يك روز بعنوان روز کارگر برسمیت شناخته شده است که در همه جای دنیا يك نام دارد: اول ماه مه. تعطیلی اول ماه مه یادآور مبارزه کارگران برای ساعات کار کمتر و داشتن اوقات فراغت بیشتر است. این روز باید با روزهای دیگر سال متفاوت باشد بطوریکه همه این تفاوت را تشخیص دهند. فرارسیدن روز کارگر همه جا فراخوانی است به اینکه کارگران در يك رژه واحد و جهانی صفوف خود را

بازگردانند. این روز باید با روزهای دیگر سال متفاوت باشد بطوریکه همه این تفاوت را تشخیص دهند. فرارسیدن روز کارگر همه جا فراخوانی است به اینکه کارگران در يك رژه واحد و جهانی صفوف خود را